

۱۷۵۹

دانشگاه ملی

دانشکده حقوق

بررسی علل دگرگونی پلیس مردم در استان آذربایجان خاوری

براهنات علمی

استادگانه ایسه جناب آقای دکتر مهدی کسی نیسا

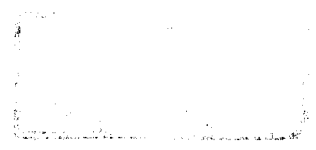
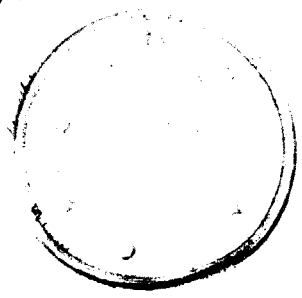
بررسی کننده

عزت اله جلالی دانشجوی سال دوم فوق لیسانس علوم جزا

سال تحصیلی ۵۲-۵۳

این رساله که یک مجموعه تحقیقی رنگین  
و جداگانه به همراه دارد از نظر  
اربع مندرج است در صورتی از نظر  
تحقیقی عالی است و در درجه «فوق»  
مورد قبول است.   
دکتر کابینا

تاریخ - ۲۵ خرداد ۱۳۵۳



۱۷۵۹

فهم سیرت هند ریات

مقدمه

فصل اول - تعریف پلیس و تاریخچه آن در ایران

بخش اول - تعریف پلیس و تقسیمات آن

بخش دوم - سازمان پلیس در ایران قدیم

بخش سوم - عصر پهلوی

بخش چهارم - عصر سلوکی و اشکانی و ساسانی

بخش پنجم - دوره اسلام

بخش ششم - دوره صفویه

بخش هفتم - دوره قاجار و ناصر

بخش هشتم - پلیس پس از استقرار سلطنت مشروطه (دوره معاصر)

فصل دوم - علل درگیری پلیس مردم

۱- عدم جویست ؟

۲- سابقه تاریخی پلیس

۳- فروتنی و نزاکت پلیس در مواقع برخورد با مردم

۴- پیشگیری بیاید نامناسب مردم در مورد پلیس

۵- پلیس باید بروی مردم باشد \*

۶- لزیم دقت در نحوه ادب مردم پلیس

۷- نقص معلومات و آموزش پلیس

۸- باور پلیس از مقررات و قوانین قانونی نبود

۹- مشکل ترافیک

۱۰- عدم تامین زندگی مردم پلیس

۱۱- بیمه وادی پلیس مردم

۱۲- کمی پرسنل و کثرت کاروند آشنان و مسائل تفریح برای ساعات بیکاری پلیس

۱۳- اتصال مشروبات الکلی

۱۴- عدم توجه ادارات دولتی به خواسته های مردم ( فساد اداری )

۱۵- باکین بودن سطح فرهنگ عمومی

۱۶- ضعف اعتقادات مذهبی

۱۷- سایر عوامل جرم زا ( نظیر خانواده - ازدواجهای نامناسب - طلاق - فقدان پدر

مادر - فقر و خانواده ) .

فصل سوم - طرق تقلیل عوامل درگیری پلیس و مراکز پیشگیری از

۱- مبارزه با فساد

۲- اصلاح قوانین مربوطه به شرایط استخدام پلیس

۳- ایجاد روح همکاری بین پلیس و مردم

۴- گسترش سطح فرهنگ عمومی

۵- واگذاری اختیارات مأمورین راهنمایی به مأمورین خاص

۶- اصلاح امور و تراهد مربوطه به زندانها

۷- حمایت رهبران از مأمورین متخلف

۸- مبارزه با انکل و مواد مؤثر را با کتب فساد

۹- جمع آوری دستنوشته و طوافان از کوچه و بازار

امروزه میتوان یکی از دغدغههای جوانان مختلف را عدم تفاهم بین پلیس و مردم آن جامعه به حساب آورد. دغدغهای مختلف برای رفیقای من ممکن در کدام یک از این موارد گواهی فرموده اند: زود بودن اختیارات مربوط به اسناد، پلیس و نیروی انتظامی بدون گذراندن آزمون گزینش برای فرادپلیس و بیسواد نگاریهای نزدیک بین پلیس و مردم و استفاده نادرست بیشتر از مسائل فنی و عملی در کشف جرمها و مشخصه های هویت تبیهنگاران و غیره .....

بهر حال باید در هر سلکتری در هر مرحله از این اختیارات با محدودیتهای توانفرمهای خود یاد براه انداختیم و در این اجتماعی رقابتی هر چه بیشتر شده و آموخته های بیشتری را میباید یاد براه امروزه به نظر نوع چسبیدن و تمسک به یک جنبه ای از زندگی نمی نشینند و عیادت را دستنخورده با دستگیر و استقامت و امنیت و استقلال با معصه خود نشان مینمایند. زور تمام اسامی و روشها نلوده تشکیل یک اجتماع است و چنانچه نظامی و پروردند داشته باشد و فرادیک اجتماع پارسی و بیج گردند بدیهی است که خیلی زود رفته چنین اجتماعی از هم گسسته شده و ارکان اولیه آن در هم خرواشد ریخت فقط پلیس است که امروزه در نو اساس زندگی مردم را بر پایه نظم و تدبیر حفظ میکند.

پلیس در سلکتری آزادی و آسایشی خردن را ریفق آسایش در گران مینماید در تمام ساعات روز و شب از زبان و دل سایرین مراقبت مینماید. دیگر افراد جامعه به کمک پلیس میتوانند چه در شبمستادی سرد زمستان و چه در تابستانهای پر جنب و جوش تابستان در بیشتر موارد بمانند و هیچ نوع تروری و یا اختیهای یاد براه ندهند.

مانند آنکه مذکور افتاد پلیس واقعی زندگی خرد را قه آسایش در گران مینماید و چه بسا که با قلبی پر مشورت و ملو از آرزوهای طلائی از خانه خارج شود در بگرد منزل خرد بازنگردد و اگر آرزوی خرد مستجاب نشاید که بیسرود که ساعات حوادث روزانه هاد لیز سران مدعی است.

بانگ زور و سران در کور تمام خاصی که پلیس در میان جامعه دارد نمیهدم تفاهم و دیگری پلیس و مردم بعید بنظر میرسد ولی واضح به سه و ال (چرا جامعه اینگونه پابند دارد؟) و نوع را روشن میکند.

باسخ این است: برای حفظ امنیت آن جامعه و بازاره با آنهاییکه بهر طریق می‌خواهند امنیت  
 اختراع را با رفتارهای خلاف قانون خودشان بخطراندازند. زیرا طبایع انسانها ملون و متغیر است  
 است و گه‌گاه روح سرکش آنان را از رز حکیمی و قانونی‌شان می‌سازد به نحوی که حتی جنویست  
 و انزلی را نادیده انگاشته بتواند از زیر پایکسارت و تحت لوای همیادگری‌های بی‌جای خود در  
 مقابل پلیس که خود نانی از قوانین همان اجتماع است که نظم می‌شد و هر چه سازمان بایست  
 یک کشور پیشرفته باشد و دارای افرادی با فضائل عالی بایستی باشد چنان‌که نظم و نترت این گروه  
 نسبت با افراد پلیس افزایش می‌یابد زیرا منابع خودشان را به‌تدریج در خطر می‌بینند چون نمی‌توانند  
 آنها را تلمیح یا تهدید نمایند بنابراین در رگیری بین افراد این گروه با افراد پلیس ازید بی‌بیات است  
 بود این نافرمان‌های روز افزون سازمان پلیس کشورهای شرقی مانند آمریکا با افراد سازمان  
 تبه‌کاری است.

در این رساله هدف تعیین و تشریح علل درگیری پلیس با افراد بزه‌کار اجتماع می‌باشد که بسیاری  
 خداوند متعال و راه‌نمایان ای ارزمانند استاد محترم جناب آقای دکتر کی‌نیاسمی خواهم نمود  
 علل درگیری پلیس و مردم را در استان آذربایجان شرقی از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی و  
 روانی بررسی می‌نماید. هم‌مطالعه پرونده‌ها و مصاحبه‌ها به‌پرسشنامه روشن نمود و ضمن بازاره و سرکوبی  
 این علل را بر اساس تحقیقات مذکور در حد امکان ارائه نمایم و با طرحی که در این تحقیق  
 ملاحظه می‌شود به استان آذربایجان شرقی است و می‌تواند با اهداف علمی و اجتماعی و محلی  
 خاص به‌سازمان پلیس کشور نیز تعمیم داد. نادآور می‌شود نباید برای کشف عوامل درگیری پلیس  
 و مردم در میان گروه‌های تبه‌کار به تعلق برداشت زیرا نقش سازمان پلیس و عدم دقت در انتخاب  
 پلیس نامیسته و عدم توجه به تعلیم و تربیت آن و همچنین عدم رشد تربیت اجتماعی نیز از عوامل مؤثر  
 به‌شمار می‌رود که ما آنرا در سه فصل جداگانه مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهیم.

فصل اول : تعریف پلیس و تاریخ پلیس در ایران

فصل دوم : علل درگیری پلیس و ...

فصل سوم : طرق تشکیل عوامل ...

### فصل اول : تعریف پلیس و تاریخچه آن در ایران

طبیعت آدمی بقسمی است که باید همیشه به حال اجتماع زندگی نماید و در تمام طول تاریخ هیچ مومنی نبوده و نشده است که افراد انسان تنها و جداگانه زندگی نمایند انسان در جاهای عمومی پلیسی بسیار ضعیف بوده و برای مقابله با آن ها نیاز به تفکری و همکاری سایر افراد دارد و این مسئله را افراد انسانی از آن آفرینند و راه فریب از جامعه پذیرد و به نیروی عقل خود دریافته اند گروههای انسانی در آن زمان صورت نداشتند و چون اندک اندک از زمان و بیداری نسلی تازه و افزایش پس و پیشگیری و از قبایل ملت ها بوجود آمده است . مسلمانان در این گروهها و اطاعت با هم دیگر مرتبط بوده و به تعاون و همکاری یکدیگر نیاز دارند و از این رو لازم است از جنبه های مختلف اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی روابط نزدیک داشته باشند و این مسائل گانه همین روابط همیشه از طریق مسالمت آمیز برقرار نمیشود زیرا خود خواهی و زورگویی و فسادکاری نیز از عناصر و اثرات بشری میباشد و در نتیجه وجود همین فرائض افراد در یک قبیله و یا قبیله های مختلف کشمکشها و اختلافات ظاهر میشوند و از همین اختلافاتی بنا و اندک در زندگی بشری در تمام پیدائش زندگی افراد آن همگی و غیره آن میرد و در ... و در ... و عدالت فداهی بطور طبیعی در افراد بشری وجود دارد و چون همین در ... انسان را بوضع اصول و تعهداتی برای ... و عدالت و ... در اجتماع و تکمیل ملاقاتهای خاص برای احکامی صحیح این مقررات برمی آید پس بنا بر این خواهد بود حقوق و تعهداتی که از انسانی فداش و اداری ... و زندگی اجتماعی است و رعایت آنها حفظ نظام زندگی اجتماعی است و زندگی اجتماعی در اثر تسبیر عوامل و بیشتر تمدن در اتمام رتبه پیراست و قواعد و نظام و سایر تا سیاست اجتماعی نیزه تبعیت از آن تسبیر

بنیاد آن به در زمان و مکان به بین لازمه زندگی اجتماعی است ممکن است در زمان و مکان دیگر مرسوم و انسانه شناخته شود مانند بزرگی و بزرگی داری که امروزه طالبان و ایران‌سازان تشخیص داده ولی در - از همه قدیم برای آن توانست خاص تنظیم و تدوین احکامات خاصه - سازمان باین نیاز ضرورت‌های اجتماعی است - در هر دوره از طول تاریخ بصورتی وجود داشته خیلاً در دوره ای که گروه‌های انسانی بصورت خانواده بودند و اندک رشتش باین راه رفتار کرده و اجرا می‌کردند و مسئول حفظ نظم و امنیت در داخل خانواده بوده است بنابراین هر فردی که خارج از گروه آدمیان زندگی میکند نیاز به تاسیساتی کسسه از ضرورت‌های اجتماع است ندارد و نه حقوقی دارد و نه تکلیفی است لازمه باین تشکیلات مربوط به امنیت وجود اجتماع و وجود روابط بین افراد مردم است هر چه این روابط بیشتر باشد قواعد حقوقی نیز فصل تر و دقیق تر است بنابراین در راه و راه اولیه تمدن قواعد مربوط به تشکیلات امنیتی بسیار ساده بوده ولی در نیای تمدن اسریر قواعد و تشکیلات مربوط به حفظ و حراست جامعه از هر جهت توسعه یافته و همواره در حال تکامل و پیشرفت است و حتی امروزه خصوصی افراد نیز که تابع حلقه‌های تخصصی است در اجتماع محدود میشوند و بعضی نمیتوانند در رسیدن لباس و شتر و غیره اختیارات داشته باشند و اعمال و رفتار انسانی بازمانی محتمل است که محل تماس و آزادی دیگری ندارد و اثر و اثر نرسود و ذات باین و تاسی را ایجاب بنماید .

#### بافتش اول تعریف باین و تاسیسات آن

باین که یله لغت فرانسه است از ریشه یونانی " *Politia* " بواجتبیاسه نوی سازمان سیاسی و در حکومت کردن و همچنین به معنی شهروندی آمده گرفته شده و بروی روزان راجع کوالیه استناد دانشگاه پاریس " *Politia* " به معنی سیاست را مشتق از آن می‌شناسد (۱) از نظر نویسندگان تاریخ باین این کلمه " *Politia* " به معنی اجتماع است حال شده است بدینسی

۱- دکتر انصاری جزوه باین و تاسیسات (۱) چاپ تهران ۱۳۰۵

۱- مجموعه مقررات شهری ۲- بعد از سرانجام و نظارت و اجرای مقررات شهری ۳- بدین سازمان  
 عموماً با اجرا و مقررات شهری.

امروزه پلیس یک واژه شناخته شده جهانی است و بر آن در روزنامه‌ها و مجله‌ها عبارت است از محسوسان و  
 و مروتیکه برای حفظ امنیت نا اسیب است و اصطلاحاً با «پلیس» که در این عموماً را به نام  
 دارند نیز ملحق می‌شود بنابراین پلیس یک نهاد اجتماعی و از تأسیسات کلیدی و باید از هوشمندانه  
 است و کسب اجتماعی آن با توجه به هدفی که در پیش دارد برای جامعه بسیار اهمیت است (۱)  
 بنابراین پلیس یک ارگانسیم تنظیم کننده روابط افراد جامعه است به نحویکه رفتارها را به یکدیگر  
 منافی آسایش و بکری نبوده و خلقت عموماً را به بهترین وجهی تأمین نماید.

از لیست تعاریف مختلف شده که جامع‌ترین آن منسوب به «آرالیک» ولف کتاب اصول و روش‌های پلیس  
 جنایی می‌باشد. «آرالیک» پلیس را اینطور تعریف نموده (یک سازمان زنده و دینتی که تأسیساتی با ساختاری  
 قانون اساسی، جلوگیری از تخلفات، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال از خاص بر طبق قوانین است) (۲)  
 بنا به تعریف بالا وظیفه پلیس در درجه اول حفظ نظم عمومی عبارت از بکارگیری از روزمره و تأمین  
 آسایش می‌باشد چنین پائیس را اصطلاحاً «پلیس اداری» گویند که وظیفه اش صرفاً حفظ امنیت عمومی  
 و تأمین رفاه و جلوگیری از ارتکاب جرم‌های مزاحم می‌باشد ولی غالباً پلیس اداری در انجام وظایف خود موفق نمی‌شود  
 و به واقع می‌شود در این صورت سازمان دیگری ضروری بکار بیاید که پائیس قضایی نامیده می‌شود و وظیفه اش  
 کشف جرم و تهیه دلائل بزه و تحقیق و بازداشت مجرم است. در کار و عزیزان ایران این دو وظیفه  
 بین سازمان‌های پلیسی تفکیک و تقسیم نشده اند اما موری که در همین حال وظیفه پلیس اداری را انجام  
 می‌دهد پس از وقوع بزه وظیفه پائیس قضایی را نیز نبال میکند. بنابراین تأسیسات گوناگون را می‌توان چنین  
 تعریف نمود (یک سازمان زنده و دینتی است که مأموریتش با اجرای قانون اساسی و ولایتی است)

۱- استاد کی‌نیا پلیس جنایی  
 ۲- استاد کی‌نیا جزوه مابین قضایی



ارتباطی، تأمین نظم عمومی، حفظ جان و مال اداخار و کشف جرم و صیغ آوری عمل ارتکاب آن و تحقیق و بازداشت متهم طبق قوانین است) .

مرکز اطلاعات ۱۹۶۲ سازمان ملل که درباره نقش پلیس در حمایت از حقوق بشر را استرانیات کیسل بدنه داد و بوده پلیس را چنین تعریف میکنند (حفظ صلح و نظم عمومی، حمایت از حیات و آزادی و ایوان، جلوگیری از وقوع بزه و کشف جرائم، دستگیری بزهکاران اجرای تحقیقات کیفری و طایفه پلیس را تشکیل میدهد) .

بنابراین تعریف مذکور پلیس را انواع است ۱- پلیس اداری ۲- پلیس قضائی :

وظیفه پلیس اداری جلوگیری از وقوع جرائم وین نظم ها و انتظامات و در نوع اعمالی که مخل اساسی عمومی است میباشد و هر جا که پلیس اداری در انجام وظایف خود شکست بخورد و جرمی واقع شود وظیفه سازمان دیگری بنام پلیس قضائی شروع میشود و آن عبارت است از کشف بزه و صیغ آوری دلایل ارتکاب و تعقیب و بازداشت متهم بصورت دیگر وظیفه پلیس قضائی وقتی شروع میشود که وظیفه پلیس اداری پایان یافته باشد .

پلیس را باعتبار هدف و تخصص آنها با انواع دیگری نیز تقسیم نموده اند که از آنها نموداری میشود .

### بخش دوم سازمان پلیس در ایران قدیم

از چگونگی سازمان و تشکیلات پلیس در ایران قدیم اطلاعات دقیقی در دست نیست زیرا از سال پیش گروه ها و آزارهای بان باک نژاد بسوزمین ایران آمدند و در این سرزمین جای گرفتند بزرگترین دسته های آریایی که در فلات ایران جایگزین شدند گروه های ماد و پارس و پارتها بودند و دولت آریایی ماد پیش از این از پارسیان در همدید و ابتدا همدان را زیر فرمان خود درآورد و سپس کهور خود را گسترش داد و آن را با بجان و اردستان و همدانهای جنوب و مرکز ایران را بر آن افزود و از ۷۰۱ پیش از میلاد بدست ۱۵۰ سال حکومت نمودند از سازمان و تشکیلات پلیس این دوره نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست بنابه نوشته سرودت در یونان یک یانثو " ۷۰۸ تا ۶۵۵ ق م " اولین پادشاه ماد سلطه اش و نارتی که داشته اهالی ایران را محکوم خود بخوان قاضی انتصاب نمیداد و ماکنان سایر حکام هانیز سوی وی شتافتند و دعای خود را بد آوری میداد و اگر از خودند و سرانجام دیا آتود ریک انجمن حکامی

به پادشاهی انتخاب شد (۱) و بزمان سلطنت خود همه ای را به عنوان پادشاهان برای اجرای عدالت  
و جلوگیری از هر چه در جرح انتخاب و نگارگشت (۲)

به نام عهدنامه خانی (۱۶۶۸-۱۶۳۸ ق. م)

شاهنشاهی صفوی به بحث بزرگی از جهان آن روزگار را در گزانه فرانسوی کردند در ۱۵۸۵ ق. م  
کوروش بزرگ بجای پدرش به تخت سلطنت جلوس نمود و بناهای نظامی و شهر را ویران کرد و مله  
مردم سرزمینهای از سرراونبریز بود و بطوریکه در کتابهای دینی ایران هیچ آزادی بخش نامید نشد  
کوروش برای استقرار امنیت در تمام نقاط سلطنت حکامی به برخی از مناطق اعزام نمود که آنها را "ساتراپ"  
مینامیدند و بهترین وظیفه ساتراپها حفظ امنیت و اخذ مالیات و اجرای عدالت و جلوگیری از چنانچه  
و سرقت بود و است.

در زمان کمیونیه سازمان منظمی که افراد آن مسلح بودند اندکسئول حفظ امنیت ملکت بود و در این  
دوره هفت قاضی عالی مقام برای نظارت در اجرای عدالت تعیین شد و بودند گلخان هوارخان و شناس  
فرانسوی در کتاب خود بنام ایران باستان و تمدن ایران مینویسد: کمیونیه (کامیز) پسرانش  
کوروش رحیات پادشاه بابل بود و این مرد مستگروین روم همینکه یکی از پادشاهان مقتدرانه و عالی رتبه  
به شک رشوه خواری حکوم شد فرمان داد پوستازتن آن قاضی برگردد و پرسند قضای او گسترده  
و سرراکه بجای پدر برای داد رسی برگزیده شد و بود به هنگام قضا بر آن حسد پنداشدند (۳)

در ریویزیون بزرگ "۱۶۱-۱۶۷ ق. م" ایران راجه سی ساتراپی تقسیم نمود و سازمان انتظامی را که  
بوسیله کوروش بوجود آمده بود و سخت بخشد و قدرت را بطور گسترده ای به تلف بوسیله ساتراپها  
استقرار مییافت و این افراد از طرف شاه پادشاه انتخاب میشدند و با تافه شاه به عدالتی که چشم  
و نور پادشاه بودند ما سورت میدادند که چگونگی اوضاع و احوال و وجود یا عدم وجود امنیت را در میان

۱- علوی پادشاه اذع قوه مقننه و قوه قضائیه

۲- امینی تاریخ د و هزار و پانصد ساله پادشاهی ایران

۳- علوی پادشاه اذع قوه مقننه و قوه قضائیه

افراد مال مختلف گزاریش نمایند علاوه بر اینها یک سازمان منظم پایه وجود داشت که وظیفه آن برقراری  
نظام و آرامش در سلطنت بود. است (۱)

بنام چهارم عصر سلوکی و اشکانی و ساسانی

از عصر سلوکی "۲۵۰-۲۵۰ ق. م" اطراعات تعیین کرد مستقیم ولی در عصر اشکانی "۲۲۴ تا ۲۵۰" رؤسای شهر خاتواد و مخصوص که سیرن و تارن از جمله آنهاست عنوان "چشم و گوش شاه" را دارا بودند که وظیفه شان رسیدگی به شکایات و جلوگیری از تجاوز و تعدی به نمایندگان شاهان اشکانی بود. دوره ساسانیان "۲۲۴ تا ۸۱۰ میلادی" عهد مشتمع ایران باستان است در این دوره یک قسمت از بیابان شمال بنام "پایتان" تحت داور رئیس هر منطقه قرار داشته و این کنوای سلطنت که وظیفه استقرار نظم و امنیت را در داخله شهر و حومه و دهات اطراف بعهده داشته اند به نیزه داران شهر بودند. اند که با عنوان حافظین نظام و امنیت کار شده سابق و پلید از روزگار انعام و از وقوع هر نوع بزه این جلوگیری میکردند.

از مناسبات حکومت ساسانی مرکزیت و قدرت در ولت بود وضع طوک الضوا یعنی دولت اشکانی حاکمیت و قدرت و نفوذ در ولت در سراسر کشور توسعه پیدا نمود در شهرها و روستاها و دهستانها نمایندگان و مامورین دولت اداره امور عمومی را از امانیه و مانیهودان گستران اداره میکردند اداره شهرستانها با ارزبان و اداره بخشها با شهرت و اداره دهستان با دهیک بود. است (۲)

خلاصه دولت ساسانی سازمان اداری و دیوانی بسیار مفضل و منظمی داشته، عدالت و شورش اداری — پادشاهان این سلسله و رعایت آنان از قواعد و رسم ضرب الشل سرزمین اسلامی است. که وزارت بلافاصله پادشاهان این دوره بود. اند بویژه از خلافت بنو عباس به بعد از وضع اداره ساسانی استفاده های شایانی نمودند. است (۳)

۱- د. امینی تاریخ و جغرافیای ساسانیان

۲- دکتر منتهای حقوق اداری ایران

۳- همان کتاب و همان نویسنده

حکومت اسلام در زمان خلفاء راشدین صورت بسیار ساده داشته، اشتغال دائم خلافت به جنگها و انقلابات داخلی مانع از آن بود که نظام روشن و ثابتی اداره کشور پهناور اسلامی داده شود از بهترین اسناد این زمان راجع باسول اداره حکومت فرمان مشهور امیرالمؤمنین علی "ع" بدانکه اشترنخمسینی والی عراق است که روشنگریات عدالت خواهی و مردم داری آن حضرت میباشد امیرالمؤمنین چنین فرموده " برای داوری میان مردم بهترین کسر را اختیار کن کسیکه ارباب برای او دست نیاید و اصحاب دعوی رای خود را بر او تحمیل نکنند و چون بنظای خود آناه شود بازگرد، نه آنکه در اشتباه خود ایستادگی کند، طمع کار نیاید، در رشک و شبها از همه بیعترتانی و در رنگ روان دارد، تا حقیقت بر او علم نگردد حکم ندهد، حجت و دلیل را پیش از همه نراکیرد، در کشف حقیقت از همه شکایت روهنگام روشن شدن حقیقت از همه برنده تر باشد، و همینکه به مطلب پی برد حکم را به تاخیر نیندازد و چون او را بستایند فریب نخورد، و یکی از وظرف برانگیخته نشود، عدل کسانی که بدین صفات آراسته اند کم است باید در طلب ایشان کوشش بسیار نمود از احکام و اعدال در میان با خبریاید که با اعدالی سرزنند که حیران نتوان کرد آنکه رعایای به بعضی وزند گیش را چنان فراخ سازند که نیازش مردم کم شود و نزد خویش چندانی منزلت و بزرگی نه که دیگری از نزد ایشان خود را و طبع نکنند و از مردم آسود و و این باشد (۱) اداره خلافت در دوره بنی امیه را با آنکه از تاشیرتدن روم و ایران طاری نبود و میتوان عربی خالص دانست ولی پیر از آنکه خلافت از این سلسله به بنوعی باسراواتام به بغداد منتقل شد صورت ایرانی پیدا کرد و در مرکز خلافت اسلامی آئین و رسوم ملت ایران رواج یافت در این دوره بین امیرالمؤمنین و ولتسی تفرقه و تفکیکی وجود نداشت زیرا بر طبق فریاد اسلام حکومت فرس در پانت ایران | چهرای اسول و اکلام دین است هلیقه که خود را جانشین پیامبر دانست و باه مسلمان نیز بدین عنوان از وی اطاعت

میگردند هم رئیس و پیشوای آوردن و هم بد را میگردند نیای آنان بود امراء و والیان نیز که از طرف  
 خلیفه منصوب و بولا یات و کوردای اسلام اعزام میگرددند و در قسمت راه باشند قوانین شرعی و تدابیر  
 سیاسی و دولتی ارشد بگردانند و اگر جنایتی در وقت مای از طرف منسوب انجاس پیدا کند  
 فتنه بآن صورت دینی پیدا کند و آنرا با آنکه واسطه احکام اسلامی تطبیق نمیندند و از طرفی اداره  
 دولت اسلامی بر سرگرمیت مصلحتی بود و اصول تمام قوا و اختیارات از خلیفه ناشی میگردد تمام مأمورین دولت  
 و حکومت تابع او بودند و از طرف او عزل و نصب میگردد هیچ یک از کوردهای اسلامی مستقلاً حق اداره امور  
 خود را نداشتند امراء و والیان نیز در تمام حکومت خود دارای اختیارات فوق العاده بودند مضاف  
 مأمورین محلی از تازی، عرب و سغدی و غیره را والی محلی میکرد و بر آنها ریاست و حکومت داشتند  
 اختیارات فوق العاده امراء و وزرا در قدرت و نفوذ دولت مرکزی باعث پیشرفت امیر بود ولی پس  
 از شروع ضعف و اختلالی باس اغلب آنان از اطاعت و اجرای او سرگرمی می کردند و از هر گونه  
 مدعی برای امارت و حکومت بودند برخاست و کوردهای اسلامی بین سلاطین و امراء مستقل تقسیم گردید (۱)  
 و شورائی در دوره اسلام از سلاطین پلیس و ولایتی مختلفه ناسی و پادشاهی تراسته میگردد و تشکیل  
 پلیس در شهرهای بزرگ بود و قسمت پلیس عالی و پایین کوچک تقسیم میگردد که ریاست پلیس عالی  
 را امیر الشریعه و ریاست پلیس کوچک را حاکم ریاست میدادند (۲)  
 پس از تجزیه دولت بنی عباس امراء و سلاطین با هم وقت سرزمین را بران طهر برکردند و سلسله های  
 مستقل تشکیل دادند بعضی از آنها که از نژاد ایرانی بودند حکامت و شوکت ایران مسلمانان را در زمان  
 داشتند و میخواهند در ترتیب حکومت با عمل ملی خود برگشت نمایند و حکومت پیدا و ام بود  
 با شورائی سلاطین و امراء و فتح حکومت کرده مملکت خود را از حکومت دربارین استقلال  
 تقلید نمیندند و بر حسب طایفه همان قواعد و رسوم را معمول میداشتند و سلاطین ذرولتی و اصلاحات

۱- دکتر خدایی فوق اداری ایران  
 ۲- این تاریخ دوهزار و هشتاد و سه ساله پلیس ایران

اداری آنان نیز همان بود، از سبیل " وزیر، والی، عالی، قاضی، محاسب، شحنه، دیوان، خراج، اقطاع و غیره" ولی بی ثباتی، ملوک و انقلابات دائم و هجوم طوایف و کتاتار و خارتها، بی دریغ مانع از آن بود که قانون و قاعده و اساس ثابتی برقرار و پایدار باشد (۱)

پیشنشتم - دوره صفویه :

ایران کنونی نه تنها ایران است که صفویان بودند آوردند، بلکه بهین جهت در سازمان و عرف اداری - ما نیز آثاری از این دوره دیده میشود و از نتایج عمده این دوره اتحاد مجدد مذهب و دولت است. پادشاهان صفوی مذهب شیعه بودند و آنرا از ارکان اساسی دولت خود میشمردند. بهترین و جامع ترین کتابی که راجع به تاریخ سازمان حکومتی و اداری این دوره نوشته شده کتاب تذکره الملوك است که یکی از منشیان درباری در اواخر صفویه در دوره افغانها تألیف نموده که در آن سازمان حکومتی و اداری با کمال تفصیل تشریح شده است. مهمترین مقالات دولتی و درباری در مرکز مملکت امرا بودند که جز شرکت در شورای سلطنتی را داشتند و آنها اعمالی جاه خطاب میشدند. این امراء عبارت بودند از وزیر اعظم و واقعه نویس و دیوان بیگی و مستوفی المالک که ارباب قلم محسوب میشدند و توریچی باشی و قلندر آقاسی و تنگچی آقاسی که ارباب سیف و پدیده آقاسی و باظرو بیرونکار که وسای دربار سلطنتی بودند و دیوان بیگی را میتوان وزیر دادگستری دوره صفویه محسوب دانست.

توریچی باشی و قلندر آقاسی و تنگچی آقاسی از امراء ارشد ارتش دوره صفویه بودند که قوری باشی مهمترین مقام نظامی کشور را داشته و بهین جهت امراء امیرالامراء و رکن السلطنه خطاب میکردند. در واقع بمنزله وزیر جنگ و رئیس قورچیان یعنی انواع سواره نظامی بودند که به ترتیب از ایلات و عشایر جمع آوری میشدند و مهم و برترین آنها قزلباشها بودند.

رکن الدوله قوال آقاسی رئیس افواج بود که از غلامان خاصه سلطنتی تشکیل میگردید و تفنگچی آقاسی رئیس افواج موسوم به تفنگچی بود.

اسپیک آقاسی رئیس تعریفات سلطنتی محسوب میشد و اداره اورشهرستانها با او تمام بود که آنها را به ترتیب اهمیت وانی، بالربیگی و ایلخان میگفتند که از طرف پادشاه مشوب میشدند تا مورین ادارین در دیگر در شهر مانند آروغه، بختسب و گلانتره نایب و عیس بودند که تحت نظر هاتم باور حفظ امنیت در شهر و اطراف بود و اند و هر کدام از آنان وظایف خاصی داشته اند به عبارت دیگر هر گروه باور حفاظت و حراست از هرات خاص در زمانهای محین بود هاند (۱)

شایع است که شاه عباس کبیر برای کنترل کارهای گروه همسای مذکور و نظارت مطلق در نحوه اجرائی دستورات و مقرات بین مربوط باور حفاظتی و امنیتی بالباس تبدیل در میان مردم ظاهر شده بدون اینکه شناخته شود و بدین طریق به حسن انتظام سلطنتی نظارت مستقیم داشته است و چه بسا شبکه های شبکاری را کشف و روز بعد اعضای آنها را با کیفیت میزدند که است در دوره های بعد هیچگونه تائیدی در سازمان اداری همین باور سازمان پلیس دادند و نشدند فقط قدرت پادشاه ضامن حفظ کامل امنیت در سلطنت بود است.

#### بخش هفتم دوره قاجار

سازمانهای اداری دوره های بعد از قویه تقلیدی است از رسم و آیین حکومت این سلسله و در زمان نادرشاه مقام صدراعظم و ورود را و ایل سلسله قاجار مقام دیوانبگی نسخ گردید و از اوامده سلطنت سلسله قاجار رتبه به برقراری روابط دائم و ثابت با کشورهای اروپا بعضی از پادشاهان در عهد پیر آمدند که وضع حکومت نمود را بصورت ظاهر از سازمانهای کشورهای اروپایی تقلید نمایند بهین جهت در سال ۱۲۷۵ هجری قمری عنوانایند وزارتخانه باسرم وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه